



مجاهدی در طراز انقلاب

مرور خاطرات دکتر عباس شیبانی در نخستین نشست مرکز تهران شناسی همشهری با حضور آزاده شیبانی و دوستان آن مرحوم

۲۲

•دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ •۸ رجب ۱۴۴۴ •سال سی ویکم •شماره ۳۰۷۰۸

هفته



یک خطامامی واقعی

عباس سلیمی نمین معتقد است شیبانی با انتخاب تفکر امام^(ع) مسیر غیر حزبی را برای فعالیت سیاسی خود انتخاب کرد.

۲۴

سیاسی



خشت خشت دیوارهای منزل

دکتر شیبانی اسرار بسیاری را

در خود جای داده‌است



به معنی واقعی کلمه مبارز بود

جای‌جای خانه رد پای دکتر شیبانی است. اگر گوش شنوایی باشد می توان از خشت‌خشت دیوارها صدای حرف‌زدن او با دیگر مبارزان سیاسی را شنید. چه روز و شب‌ها که در اینجا گرد هم جمع نمی‌شدند! حتی رهبر معظم انقلاب هنگام اقامه نماز بر پیکر دکتر شیبانی خاطراتی را از آن روزها بازگو کردند: «پیشان تازه از زندان آزاد شده بود، به‌نظرم سال ۴۷ یا ۴۸ بود که با ایشان آشنا شدم. من با مرحوم طاهر احمدزاده از مشهد آمدیم تهران، یک کاری داشتیم اینجا، لازم بود جمعی از افراد صاحب‌فکر و صاحب‌نظر و مانند اینها مثل آقای طالقانی، مهندس بازرگان، دکتر سحابی، اینهایی که بودند، جمع می‌شدند؛ من و آقای احمدزاده یک حرفی برای آنها داشتیم. احمدزاده گفت که جمع کردن اینها کار ما نیست، کار عباس شیبانی است؛ او می‌تواند اینها را جمع کند. این بود که با ایشان تماس گرفتم و آمد و گفتیم ما چنین کاری داریم، فوراً به‌نظرم شاید در ظرف روز یک جلسه ۱۶-۱۵ نفر، از دکتر شریعتی، آقای بهشتی، آقای مطهری، همه جمع کرد؛ یک آدم این‌جوری بوده! ادامه کار، بعد از انقلاب هم به‌معنای واقعی کلمه ایشان مشغول کار بود، مشغول تلاش بود.» و بعد هم ادامه دادند: «آقای دکتر شیبانی هم به‌معنای واقعی کلمه جزو انسان‌های صالح بود، ما ایشان را خیلی خوش‌است، سال‌ها است، یعنی شاید پنجاه و چند سال است می‌شناسیم. آدم فعال، خیر‌خواه و آماده‌به‌کار، و به‌معنای واقعی کلمه مبارز بوده! واقعاً این‌جوری بود.»

ماجرای خانه قدیمی به روایت رهبر معظم انقلاب

جلسه‌ای که رهبر معظم انقلاب از آن یاد کردند در واقع نخستین جلسه از سلسله جلساتی بود که در سال ۱۳۴۸ آغاز شد و هدف مهمی را به‌دنبال داشت؛ «تدوین منشور اسلامی» در برابر «انیمشت»، کتاب معروف مارکسیست‌ها. در کتاب «شرح اسم» که زندگینامه مبارزاتی رهبر معظم انقلاب است، شرح مفصّلی از این جلسات ذکر شده است اما اعضای این جلسات چه کسانی بودند؟ رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله محمد بهشتی، دکتر محمدجواد باهنر، دکتر علی شریعتی، مهندس مهدی بازرگان، دکتر بدالله سحابی، عباس شیبانی، طاهر احمدزاده، حبیب‌الله پیمان، جلال‌الدین فارسی و سیدابوالفضل موسوی‌زنجانی و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی. جلسات معمولاً طولانی بر گزار می‌شد. رهبر معظم انقلاب هر بار برای شرکت در جلسه از مشهد به تهران می‌آمدند. نشست‌ها هم در خانه آقایان پیمان و دکتر باهنر برگزار می‌شد و گاهی هم پیش می‌آمد که میزبان دکتر شیبانی

بود. کسانی که درباره فعالیت‌های سیاسی دکتر شیبانی اطلاعاتی دارند، درباره خانه‌ای که امروز خانه انقلاب نام گرفته داستان‌های زیادی شنیده‌اند. اما آزاده، دختر دکتر شیبانی کسی است که خود شاهد ماجراهای آن دوران بوده است. تعریف می‌کند: «من خیلی کوچک بودم که دکتر بهشتی به خانه ما آمد. وقتی ایشان را دیدم ناخودآگاه من با مادرم حضور نداشتم. پدر اعلامیه‌ها و نشریه‌های امام را می‌آوردند. گاهی هم خودشان با دستگاه تایپ می‌کردند. یک‌بار روزنامه‌ای را دیدم که رویش نوشته بود محرمانه. با اینکه می‌دانست من یا مادرم درباره اعلامیه‌ها حرفی نمی‌زنیم ولی رویش را پوشاند.»

کلاس‌های توجیهی برای دانشجویان

دکتر شیبانی از اوایل دهه ۴۰ تا قبل از پیروزی انقلاب تا ۹۱۰ بار دستگیر شد و به زندان افتاد. آزاده شیبانی از اتفاقاتی که پدر در زندان تجربه کرده چیزی نمی‌داند و توصیه می‌کند حوادث زندان را از سیدمحمد مهدی جعفری، هم‌بند پدرش در زندان قصر جویا بشویم. دکتر جعفری، استاد بازنشسته دانشگاه شیراز است. او سال‌های زیادی را با دکتر شیبانی دوست بوده یعنی از سال ۱۳۴۰. اینکه «دکتر شیبانی با شکل‌گیری نهضت آزادی از سوی آیت‌الله طالقانی، دکتر سحابی و مهندس بازرگان عضو آن شد. من سال ۱۳۴۰ با او آشنا شدم. برای دوره کارشناسی ارشد به تهران آمده بودم. دکتر شیبانی دانشجوی رشته پزشکی

دکتر شیبانی حتی با کسانی هم

که طرزفکرشان فرق می‌کرد

مهربان بود. این مرد در سال‌هایی

که در زندان به سر می‌برد هیچ‌وقت

غذای زندان را نخورد



نکته

مردی

به راستگویی

واخلاصی

شیبانی ندیدم

سیدمحمد مهدی جعفری: مرحوم عباس شیبانی ۱۳سال از عمر خود را در زندان گذراند اما هیچ‌وقت از شرایط بدی که داشت حرف نزد. عادت نداشت از سختی‌هایی که کشیده چیزی بگوید، دانشجوئی سال‌های آخر رشته پزشکی بود برای همین در زندان هر کس بیمار می‌شد به او سر می‌زد یا خودش درمان می‌کرد یا او را به بهداری می‌برد. من مردی به راستگویی و اخلاص شیبانی ندیدم. او حتی با کسانی هم که طرزفکرشان فرق می‌کرد مهربان بود. این مرد در سال‌هایی که در زندان به سر می‌برد هیچ‌وقت غذای زندان را نخورد. همسرش انسیه هر هفته برای او غذا می‌آورد و دکتر آن را به ۷قسمت تقسیم می‌کرد تا طی ۷روز بخورد.

■ ■ ■

عاشقانه‌های

دکتر و همسرش

آزاده برای گفت‌وگو اتاق دیگری را پیشنهاد می‌دهد. در واقع سالن پذیرایی است. عکس بزرگی از دکتر روی میز کنج سالن قرار دارد. دکتر شیبانی با آن چهره آرام و لیکندی که روی لب دارد چقدر به دل می‌نشیند. حق دارد دخترش که از فراق پدر لحظه‌ای آرام و قرار نداشته باشد. او عاشقانه‌های پدر و مادرش را تعریف می‌کند: «مثل لیلی و مجنون بودند. پدرم خیلی به مادرم احترام می‌گذاشت و او را دوست داشت. مادرم هم همینطور. هیچ وقت صدای بلند او را با مادرم نشنیدم. یاد می‌آید مادرم روزهای جمعه در خیریه فعالیت می‌کرد. من هم گاهی با مادرم می‌رفتم.»

■ ■ ■

امین و مورد

اعتماد

امام خمینی^{ره}

حسین افشار از دوستان مرحوم شیبانی: «یک بار دکتر شیبانی در مجلس گفت هندوانه در ماه رمضان نباید کیلویی ۳۵هزار تومان شود، حرف او را تفض کردند اما دکتر گفت که من خودم خرید کرده‌ام، فردای آن روز در مجلس مطرح شد و قیمت‌ها را درست کردند. آقای دکتر به خواسته مردم خیلی اهمیت می‌داد. همیشه به من می‌گفت هر کاری می‌خواهی انجام بده اما اگر بیماری برای نداشتن لطمه ندهد، من تو را نمی‌بخشم. دکتر شیبانی مورد اعتماد امام خمینی^(ره) بودند تا جایی که وقتی امام^(ره) را می‌خواستند در بیمارستان قلب شهید رجایی بستری کنند با توجه به اینکه دکتر زگر و دکتر منافی بودند امام و دکتر شیبانی را خوشامام و راقسم داد که آیا همه مردم می‌توانند از امکانات این استفاده کنند؟ اگر می‌توانند من بروم.»

■ ■ ■

مانند شخصیت

شیبانی کم

داریم

دکتر شیبانی شخصیت مورداحترامی بود اما در عین حال مواضع خصامی خود را داشت. مواضع او از مواضع امام^(ره) سرچشمه گرفته بود، اینکه می‌گویم مواضع او از مواضع امام سرچشمه می‌گرفت به این معنا نیست که امام^(ره) اگر اینها ندارند بلکه به این معناست که مواضع ایشان مواضعی است که جنای نیست. منش سیاسی او را نمی‌توان در چارچوب جریان‌های سیاسی امروز دسته‌بندی کرد. او به‌دنبال کار حزبی نبود بلکه مواضع عمومی و انقلاب را دنبال می‌کرد و این موضوع را می‌توان دلیل اصلی جری می‌تواند باشد و ذراهی در دفاع از مبانی اصیل آن کوتاه بیاید. بدون شک جای او در عرصه سیاسی و اخلاق سیاسی در کشور خالی است و نبودش خسارتی بزرگ برای کشور در این عرصه خواهد بود.



یادداشت

امیررضا واعظی آشتیانی

فعال سیاسی

انقلابی‌ای که پایه‌گذار نهضت آزادی بود

دکتر شیبانی، فردی وارسته و سلیم‌النفس و بریده از دنیا از این‌ نظر که دنبال جاه و مقام باشد یا تلاش کند که پست و عنوانی داشته باشد، بود. او کسی بود که مانند او در جامعه ما کم است یا شاید هم هست، اما در جامعه آنان را نمی‌بینیم. شیبانی عاشق خدمت بود و برای او مهم بود که بتواند به جامعه کمک کند و تلاشش را هم بر این مینا گذاشته بود. متأسفانه یاد گرفته‌ایم وقتی افراد و انسان‌های وارسته و کسانی را که الگوی جامعه ما در رفتار سیاسی و اجتماعی هستند، بعد از اینکه از دست می‌دهیم تکریم کنیم و یادشان را گرامی بداریم؛ در حالی‌که چنین شخصیت‌ها و الگوهایی باید به خوبی در جامعه معرفی شوند و رفتار و منش آنان به‌عنوان مسیر راه برای کسانی که پا در مسیر سیاست و اجتماع می‌گذارند تبیین شود تا بتوانند رفتار درست را در مسیری که می‌پیمایند انتخاب کنند.

گرچه بر این باورم که شخصیت مرحوم شیبانی انطور که باید و شاید برای دیگران تبیین و معرفی نشده است، اما، خود در دوره دوم شورای شهر ۴سال افتخار همدوره‌ای ایشان را داشتیم، به مدت ۳سال در کنار ایشان قرار گرفتم و او را فردی پرتلاش، زحمتکش و دلسوز دیدم. او با مردم همانگونه که بودند برخورد می‌کرد و همتشین واقعی فقرا بود. او از جمله افرادی بود که عمیقاً به انقلاب اسلامی و ارزش‌های نظام باور داشت و عمیقاً نیز یک مذهبی‌روشن و همراه با تعقل بود.

دکتر شیبانی در سپهر سیاسی خود، بنیانگذار نهضت آزادی بود. نهضت آزادی بعد از تاسیس خود دچار انحرافات شد و در نگاه خود به ولایت فقیه دچار خطای سیاسی فاحشی شد که در نهایت این خطا و انحرافات ناشی از آن در نهضت آزادی سبب شد، مرحوم شیبانی با وجود نقش مؤثرش در پایه‌گذاری این جریان کم‌کم از آن فاصله بگیرد. باورهای شیبانی همانطور که بیان کردم انقلابی، مذهبی و همراه بسا تعقل بود و این موضوع باعث شد نتواند با خط‌مشی نهضت آزادی و اعضای آن کنار بیاید و به این دلیل در جبهه انقلاب ولایت قرار گرفت، تا آخرین لحظه زندگی نیز بر این باور خود استوار بود و به نوعی از این جریان تبری جست.

شاید بتوان به جرأت یکی از ویژگی‌های بارز مرحوم شیبانی را در رعایت جانب انصاف و اعتدال در رفتار و گفتار دانست. او چه در دورانی که فعالیت سیاسی انجام می‌داد و چه در دورانی که در شورای شهر، نقش موکل مردم را به خوبی ایفا کرد، هرگز نقد‌ها و نظرات خود را به شکل افراطی بیان نکرد، جانب انصاف و عدالت را به خوبی حفظ کرد و درگیر هیجانات کاذب سیاسی برای قرار گرفتن در تیترو رسانه‌ها نشد؛ رفتاری که این‌روزها بیش از هر زمان دیگری در سپهر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور به آن نیازمندیم و جای خالی آن را احساس می‌کنیم؛ به‌عنوان مثال، شیبانی فردی گزیده‌گو و مختصرگو بود و مانند برخی که آسمان ریسمان در بیان گفتار خود دارند، نبود. او چنان دایره لغات قوی‌ای داشت که همین گزیده‌گویی‌ها بارها توانست موجب مردم را در شورای شهر ایجاد کند که به نوع حامی و شهر بود. این بیان به‌معنای عالی کلمه نشان‌دهنده انتخاب درست و هنرمندانه شیبانی از بین واژگان برای بیان کلمات بود. ایشان در حد ۲ خط نظر خود را مطرح می‌کرد و در این‌باره منعطف شخصی خود را لحاظ نمی‌کرد. او انگرانی یا ترسی از اینکه برخی نظراتش ممکن است خوشایند کسی نباشند نداشت و بر خلاف دیگران که رفتار و گفتارشان با هم یکی نبود اهل سیاسی‌کاری و روابط سیاسی ناسالم با کسی نبود و به آنچه می‌گفت خود عمل می‌کرد؛ به‌عنوان مثال در دوراهی که شورا قصد انتخاب آقای قالیباف به‌عنوان شهردار تهران را داشت، شیبانی در حضور قالیباف نقد‌های منصفانه و بسیار جدی‌ای را به قالیباف وارد کرد که می‌توان متن آن را جست‌وجو و مطالعه کرد. او بر خلاف بسیاری از سیاستورن دیگر که رفتار و عملشان باهم فرق داشته و دارد، به‌شدت صریح‌اللجه اما، منصف بود و به واسطه نقد یا انتقادی که به افراد داشت دست به توهین یا بی‌احترامی به کسی نزد و با این رفتار خود‌الگویی نقد درست و منصفانه را به همگان نشان داد. او در رفتار سیاسی خود فردی شفاف بود و با کسی که کسی نمی‌توانست مدعی شود که شیبانی سیاست‌باز است و از سیاست برای نفعی را کسب کرده است و حتی منتقدینش او را به پاک‌دستی و اخلاص در گفتار و رفتار می‌شناسند. بدون شک با تدبیر در سیر زندگی سیاسی و اجتماعی مرحوم شیبانی می‌توان به این مفهوم رسید که او انقلابی زندگی کرد، انقلابی ماند و انقلابی هم گذشت. من کمتر کسی را دیدم که چنین باصفا و در عین حال مقتدر در جهت دفاع از نظام و انقلاب باشد و ذراهی در دفاع از مبانی اصیل آن کوتاه بیاید. بدون شک جای او در عرصه سیاسی و اخلاق سیاسی در کشور خالی است و نبودش خسارتی بزرگ برای کشور در این عرصه خواهد بود.